

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۵ می ۲۰۲۳

بحران سودان محصول تغییر نظم جهان تک قطبی

رویدادهای اخیر

در سودان جنگ داخلی در اثر نزاع بین دو جنرال در حکومت در گرفته است. این حکومت نظامی ترکیبی از ارتش عادی سودان به سرکردگی عبدالفتاح برهان و رهبر شبه‌نظامیان مشهور به «نیروهای واکنش سریع» جنرال محمد حمدان دقلو معروف به حمیدتی می‌باشد. این حکومت خود محصول یک کودتای نظامی در اکتوبر سال ۲۰۲۱ بود. با آغاز حکومت مطلق نظامیان که باید موقتا بر سر کار می‌ماند، در اثر اعتراض‌ها و فشارهای بین‌المللی توافقی برای انتقال قدرت به حکومت غیرنظامی تدوین گشت که گفت‌وگوها درباره نحوه اجرای آن عملا به بن‌بست رسید. جنرال محمد حمدان دقلو حمیدتی ظاهرا به این امر تن در نمی‌دهد که شبه‌نظامیان وی در ارتش عادی سودان حل گشته و قدرت عملا به عبدالفتاح برهان تفویض گردد. وی با نیروی قدرتمند و منابع مالی که در اختیار دارد یکی از عوامل درگیری کنونی است. البته هیچکدام از این جنرال‌ها به خاطر سوء پیشینه غیرقابل دفاعی که دارند قابل تائید نیستند و مسلما منافع خصوصی آنها در پیدایش وضع موجود نقش دارد. ولی ساده‌انگاری است که ریشه درگیری‌ها و تداوم آن را تنها در اختلافات خصوصی این نظامیان تلخیص کنیم. برای درک وضعیت سودان باید در تاریخچه و وضعیت سیاسی کنونی سودان و شرایط جهانی تعمق بیشتری نماییم. «عبدالباری عطوان» تحلیلگر جهان عرب در این باره در نشریه رای الیوم آورده است: «درگیری جنرال‌ها در سودان، تجسم جدیدترین فصول توطئه‌های امریکائی- اسرائیلی برای فروپاشی و نابودی این کشور است».

تاریخچه مختصر

سودان قربانی استعمار بریتانیا بود. این کشور نخست در سال ۱۸۲۱ به عنوان بخشی از مصر توسط این کشور اداره می‌شد و رودخانه عظیم نیل یک رشته حیاتی است که سرنوشت این دو کشور را به هم پیوند زده است. بریتانیا سپس سودان را به زیر سلطه خویش در آورد زیرا از این طریق می‌توانست از نظر ستراتیژیک کنترل مصر و به ویژه کانال سوئز را در دست بگیرد. کنترل کانال سوئز مهم‌ترین تنگه جهانی برای غارت هندوستان توسط بریتانیا و شیشه عمر آن امپراتوری محسوب می‌گردید. ملت سودان با اکثریت مسلمانان تحت رهبری محمد احمد المهدی که یک جنبش اسلامی بود در سال ۱۸۸۵ به کشتار انگلیس‌های استعمارگر دست زده و سر جنرال بریتانیایی، آقای چارلز گوردن،

حاکم بریتانیایی را برید و برای عبرت بر درخت آویزان کرد و استقلال سودان را به کف آوردند. استعمارگران بریتانیا ولی ساکت ننشستند و در سال ۱۸۹۸ با تشکیل ارتش مصری- بریتانیایی استقلال سودان را از بین برده و به کشتار بی‌رحمانه مردم سودان با منطق خون‌خواهی دست زدند. سودان تنها توانست بعد از جنگ جهانی دوم و پیروزی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی نظم استعماری کهن استقلال سیاسی نسبی خویش را کم و بیش به کف آورد.

بریتانیا از همان زمان نیز با سیاست ستراتیژیک تفرقه بیانداز و حکومت کن به تفرقه ملی در سودان دست زد و بخش جنوبی را با دست مبلغان دینی مسیحیت بر ضد اعراب متمدن که دست‌ساز خودشان بودند تحریک کرد و این ایجاد تفرقه و ناآرامی‌ها در سودان چه در مورد جدائی جنوب و چه در مورد منطقه دارفور در غرب سودان تا امروز نیز ادامه دارد. امپریالیسم امریکا نیز در زمان جرج بوش پسر نابودی ۷ کشور از جمله عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، سومالی، ایران و سودان را در دستور کار خود قرار داد و به ایجاد اغتشاش و نابسامانی و فروپاشی آنها به عنوان یک دولت- ملت پرداخت، سودان را تحریم اقتصادی کرد و در فهرست ممالک تروریستی قرار داد، زیرا غارت یک کشور متلاشی و بی‌صاحب آسان‌تر از یک کشور مقتدر، دارای حق حاکمیت ملی و پاسدار تمامیت ارضی، قدرتمند و صاحب عزت و غرور ملی است. از آن تاریخ تا کنون سودان به صحنه تاخت و تاز ارتجاع جهانی بدل شده است. این سیاست تنها در مورد ایران با شکست کامل امریکا و بریتانیا، علیرغم وجود اپوزیسیون مزدور و اغتشاشگر روبرو شده است.

اهمیت ژئوپلیتیک سودان

سودان قبل از تجزیه یکی از بزرگترین کشورهای آفریقا به شمار می‌رفت که بر جریان آب رودخانه نیل که به مصر سرازیر می‌شود نظارت کامل داشت. این امتیاز نه تنها فشار حیاتی به مصر است، بلکه به نحو غیرمستقیمی بر حاکمیت مصر بر کانال سوئز تأثیر گذارده و می‌تواند در بحران‌های ناشی از خطراتی که عبور و مرور کشتی‌های تجاری را تهدید می‌کند به منزله ابزار استعمار نقش بازی کند. سودان با ممالک مصر، لیبی، چاد، آفریقای مرکزی، سودان جنوبی، اتیوپی و از خاور با اریتره مرز مشترک دارد. همچنین سودان از خاور به دریای سرخ پیوند می‌خورد که طول کرانه‌هایش با آن به ۸۵۳ کیلومتر می‌رسد. سودان قبل از تجزیه در سال ۲۰۱۱ بزرگترین کشور آفریقا و بزرگترین کشور جهان عرب بود. منابع مهم سودان به غیر از نفت شامل طلا، ماده معدنی بنتونیت، آهن، مواد اولیه سیمان و منابع اورانیوم می‌باشد. تنها ۸۵۳ کیلومتر مرز آبی آن نقش مهمی در شاخ آفریقا و کنترل دریای سرخ از جانب ممالک ذی‌علاقه بازی می‌کند که شامل امپریالیست‌های اروپا، امریکا، چین، روسیه و متحدین آنها نظیر اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، ترکیه و حتی ایران می‌شود. اغتشاش و ناآرامی در سودان، سیل تخمیناً صد هزار آواره را از طریق کشور متلاشی لیبی راهی اروپا می‌کند. هم‌اکنون پناهجویان برای کشورهای اروپائی ۱۳ میلیارد دلار در عرصه بهداشت، امنیت، نگهداری و ایمنی هزینه دارند که این صرف‌نظر از برخوردهای فرهنگی، تحریک احساسات عمومی در کنار فشار جنگ اوکراین، تورم، گرانی و حضور یک میلیون اوکرائینی پناهجو با حق امتیاز ویژه در اروپاست. این وضعیت به شدت ممالک اروپائی را متزلزل، بی‌ثبات و نگران کرده است. اروپائی‌ها بیش‌تر خواهان بازگشت وضع پایدار و قابل محاسبه به سودان، البته مشروط به کاهش نفوذ روسیه و چین هستند.

در تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۲۳ آقای «پاتریک هاینیش» (Patrick Heinisch)، مطلع آلمان و کارشناس امور آفریقا، گفت: «اولویت‌های آلمان (و همچنین اتحادیه اروپا) در سودان عبارتند از: جلوگیری از جریان‌های مهاجرت و مهار نفوذ روسیه و چین». اروپا در کلاف سردرگمی گرفتار آمده است زیرا ابتکار عمل را در دست ندارد.

نقش چین

چین با سیاست «کمر بند و راه» از نفوذ رو به گسترش و سیاسی-اقتصادی مهمی در آفریقا برخوردار است. افکار عمومی مردم آفریقا از سیاست‌های چین حمایت می‌کنند. چینی‌ها هم اکنون با یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها در کرانه‌های دریای سرخ، متضرر ناآرامی‌ها اخیر خواهند بود و ادامه کارشان به امنیت و پایان تنش‌ها بستگی دارد. چین با یک میلیارد دلار بزرگترین سرمایه‌گذار در سودان است. چین، روسیه و تا حدودی اروپا خواهان آرامش سودان هستند، زیرا میلیاردها دلار در آنجا سرمایه‌گذاری کرده‌اند در حالی که آمریکا فقط ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیون دلار در آنجا سرمایه دارد. برهم ریختن سودان از منظر استراتژیک به نفع امریکاست زیرا از نفوذ روسیه و چین و حتی رقیبش اروپا می‌کاهد.

نقش اسرائیل

دولت اسرائیل در عرصه ادعاهای دیپلماتیک در مناقشات اخیر از سیاست مودیان «بی‌طرفی» پیروی می‌کند، زیرا برایش هنوز معلوم نیست کدام طرف برنده نزاع‌های داخلی است. ترجیح اسرائیل حفظ وضع موجود و همکاری با ارتش عادی سودان به رهبری جنرال عبدالفتاح برهان است. ولی از تماس با نیروهای واکنش سریع نیز منصرف نشده است. حاکمان نظامی سودان و به طور خاص عبدالفتاح برهان رئیس شورای نظامی این کشور در بدو کار، از اراده جدی خود در عادی‌سازی روابط با اسرائیل در قالب توافق ابراهیم خبر داد. موضوعی که شورای نظامی سودان را با انتقادات گسترده‌ای روبرو ساخت. دلیل این سیاست اتکاء به اسرائیل را پژوهشگران از طرفی هم در عدم سازگاری دو رهبر کودتا در سودان و هم در رویگردانی مردم از حاکمیتی که مدعی بود قصد استقرار دموکراسی، تحقق جامعه مدنی، روی کار آوردن یک حکومت غیرنظامی را دارد، می‌بینند. حال حکومت جنرال‌ها به ویژه ارتش به حمایت خارجی، صهیونیسم و امپریالیسم متکی می‌گردند. آنچه که به عنوان پیمان یا «توافق صلح ابراهیم» شناخته می‌شود، بیانیه مشترک یک توافق با میانجی‌گری ایالات متحده بود. پیمان اول میان اسرائیل، امارات و ایالات متحده به عنوان پایه این توافق، در سیزده اوت ۲۰۲۰ به امضا رسید. بیانیه دیگر میان اسرائیل و بحرین امضا شد. چندی پس از آن، دو کشور مراکش و سودان نیز به این جمع پیوستند. ساعتی پس از آن کاخ سفید تصمیم گرفت سودان را بعد از ۲۷ سال از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج کند. نشریه «میدل ایست آی» در گزارشی، عبدالفتاح برهان رئیس شورای نظامی سودان را مهره اصلی اسرائیل در سودان توصیف کرد و تاکید نمود که وی حاضر است هر کاری انجام دهد تا خود را با استفاده از حمایت‌های اسرائیل در قدرت نگه دارد.

اخیرا «الی کوهن» وزیر امور خارجه اسرائیل در دوم ماه فوریه ۲۰۲۳ برای مذاکره با عبدالفتاح برهان جنرال کودتاچی ارتش برای تحکیم روابط اسرائیل با سودان به خارطوم سفر کرد. این سفر در تکمیل توافقات ضدایرانی، و مبارزه با جنبش آزادی‌بخش مردم یمن صورت می‌گرفت. «کوهن» پس از دیدار با علی الصادق، همتای سودانی خود گفت: «برای پیشبرد و عادی‌سازی روابط بین دو کشور موافقت شد». اما مقامات نظامی سودان به آسوشیتدپرس اظهار داشتند در حالی که سفر کوهن نشان دهنده پیشرفت در موضوع عادی‌سازی بود، عادی‌سازی کامل روابط به این زودی‌ها محقق نخواهد شد. این تناقض نشانه بروز اختلاف در میان دو سرکرده نظامی ارتش و نیروهای شبه‌نظامی بود.

جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، با صدور بیانیه‌ای، عادی‌سازی روابط میان سودان و اسرائیل را محکوم کرد. انصارالله یمن نیز در واکنشی، این پیمان را «عبری» خوانده است و «نه عربی». حزب کنگره مردمی سودان و

جریان‌های اسلامی (شامل ۱۰ حزب اسلامی) هم طی دو بیانیه جداگانه مخالفت جدی خود را با عادی‌سازی روابط این کشور با اسرائیل که «اراضی فلسطینی را اشغال کرده و به مقدسات اسلامی توهین می‌کند»، اعلام کردند. طبیعی است که این واکنش‌ها دست ارتش را در برقراری مناسبات حسنه با اسرائیل می‌بندد.

نقش مصر، عربستان سعودی و امارات

کشور مصر تلاش دارد که زمینه نفوذ خود را در سودان هر چه بیشتر گسترش دهد، زیرا به این ترتیب امنیت جریان رودخانه نیل را به سمت مصر تامین می‌کند. دولت عربستان سعودی که یک طرف کرانه دریای سرخ را تحت نظارت دارد برای افزایش نفوذ خود در طرف دیگر این دریا در سودان به اعمال قدرت می‌پردازد. این تلاش علیرغم رقابتی است که وی بر سر رهبری جهان عرب با رژیم سکولار مصر که مخالف و هابیسیم است، دارد. «اسامه الشیخ» تحلیلگر مسائل سیاسی از سودان درباره تاثیرات واکنش‌ها و بیانیه‌های کشورهای عربی در خصوص تحولات سودان نوشته است: «برخی از کشورهای عربی همانند محور سعودی- مصری از سال‌های گذشته طرفدار عبدالفتاح برهان بوده‌اند، کشورهای دیگری نیز همچون امارات حامی حمیدتی هستند. همه این طرفداری‌ها و حمایت‌ها بر وضعیت داخلی سودان و به ویژه جنگ داخلی کنونی تأثیرگذار خواهند بود».

دولت سودان به علت نزدیکی با عربستان سعودی و امارات متحده عربی به عنوان نیروهای ذخیره نظامی آنها به ایفای نقش در رویدادهای منطقه اشتغال داشت و دارد و از این راه کمک‌های مالی فراوان از این دو کشور دریافت می‌کند. نزدیک به ۷۰ هزار تن نیروی مسلح مزدور سودانی در یمن با وساطت عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر ضد مردم یمن می‌جنگیدند.

امارات متحده عربی علیرغم همکاری پر از تضاد و رقابت مستمر با عربستان سعودی در یمن، تلاش دارد که حوزه نفوذ خود را در دریای عرب، باب‌المندب و دریای سرخ افزایش دهد و در این زمینه در سودان در مقابل نفوذ عربستان سعودی و ارتش رسمی آن کشور مقاومت کرده از شبه‌نظامیان شورشی در کنار روسیه دفاع می‌کند. محور روسیه- امارات در مقابل محور مصر- عربستان سعودی قرار دارد.

در جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران ۱۰ لشکر کماندونی سودانی در اختیار صدام حسین بر ضد ایران قرار داشت و نزدیک ۱۶ تا ۲۰ هزار نفر نیروی آموزش‌دیده برای انجام عملیات در جنگ‌های شهری در اختیار صدام حسین برای اشغال ایران قرار گرفته بود.

این است که سودان به عنوان متحد ارتجاع عرب، صهیونیسم و امپریالیسم انگلوساکسون در شاخ آفریقا عمل می‌کند.

نقش روسیه

دولت روسیه در کنار نفوذ در جیبوتی و ایتیوپی مدت‌هاست که برای دریافت یک پایگاه نظامی در کرانه دریای سرخ با جنرال‌های کودتاجی ارتش عادی سودان در تماس بود تا توانست با تحولات اخیر جهان موافقت آنها را برای ایجاد یک پایگاه نظامی به دست آورد. این توافق به شدت امریکا را برافروخت و صریحا اعلام کرد که این وضعیت را هرگز برنمی‌تابد. نفوذ روسیه در سودان با توجه به نفوذ آنها در ممالک ساحل و آلبی از طریق نظامیان حرفه‌ای گروه «واگنر» تنها می‌تواند شمال و جنوب آفریقا را از هم جدا کند و شرق را به غرب از جنبه ژئوپلیتیک پیوند زند. موضع‌گیری رسانه‌های امریکائی به نفع جنرال کودتاجی، عبدالفتاح برهان و متهم کردن رقیب او یعنی شبه نظامیان به رهبری محمد حمدان دقلو معروف به حمیدتی به دریافت سلاح از روسیه، نشان می‌دهد تضاد میان روسیه و امریکا نیز

در این اوضاع در قاره آفریقا تشدید شده است. هم اکنون نیروهای وابسته به جنرال خلیفه حفتر در لیبی در مرز مشترک با سودان به نیروهای وابسته به محمد حمدان دقلو، فرمانده نیروهای موسوم به واکنش سریع سودان ظاهراً کمک می‌کنند. روسیه در سودان با امارات متحده عربی همکاری دارند که در مقابل نفوذ محور مصر- عربستان سعودی قرار گرفته‌اند. تمام این فعالیت‌ها اغلب جنبه ژئوپلیتیکی داشته و معطوف بر اشراف به دریای سرخ و نفوذ در آفریقا است.

سیاست امپریالیسم امریکا

امریکا تنها باید تعداد پایگاه‌های خود را برای کنترل بهتر، کارآمدی بیشتر و کاهش خطر و تهدیدات در منطقه کاهش داده و متراکم نماید. آنها باید بخشی از نیروهای خود را که به صورت مستشار - که تعداد آنها در سفارتخانه امریکا ۱۱ هزار نفر است - تقلیل دهند.

در زمان درگیری‌ها در اتهام به امریکا و اسرائیل از جانب دولت چین اعلام شد که در سودان ۲۸ پایگاه و آزمایشگاه شیمیایی و بیولوژیک وجود دارند که به تولید باکتری‌های سیاه زخم، وبا، ابولا و سایر ویروس‌ها مشغولند و سودانی‌ها و آفریقائی‌ها به عنوان موش آزمایشگاهی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اسرائیل فوراً اسناد و منابع زیر کنترلش را از سودان خارج کرد. سازمان بهداشت جهانی (WHO) برای سرپوش‌گذاردن بر نقش امریکا و اسرائیل روز ۱۸ آوریل ۲۰۲۳ اعلام کرد که گروهی از افراد مسلح یک آزمایشگاه پزشکی دولتی حاوی نمونه‌هایی از عوامل ایجاد کننده بیماری‌های کشنده مانند فلج اطفال، سرخک و وبا را اشغال کردند. این سازمان بین‌المللی وضعیت را «بسیار بسیار خطرناک» خواند. نیما سعید عابد، نماینده سازمان بهداشت جهانی در سودان به خبرنگاری فرانسه گفت: «خطر بیولوژیکی عظیمی در ارتباط با اشغال آزمایشگاه پزشکی دولتی مرکزی توسط یکی از طرف‌های درگیر وجود دارد.» وی حاضر نشد نام این گروه درگیر را از ترس به زبان بیاورد.

مختصر کنیم امریکا از وجود جنگ داخلی، ناآرامی، تشنج، بی‌ثباتی و در یک کلام لیبی ساختن سودان سود می‌برد و تمایلی به تغییر اوضاع ندارد. برهم ریختن آفریقا منافع ستراتیژیک امریکا را تامین می‌نماید.

امریکا در دو زمینه مهم فعال است. جلوگیری از تشدید بیشتر تماس‌های نظامیان سودان با روسیه، خرابکاری در سیاست چین در آفریقا و تضعیف رقیب اروپائی و دوم جلب یک شریک عرب مسلمان دیگر در آفریقا برای حمایت از اسرائیل. به ویژه، توافق بین مسکو و خارطوم برای ساخت پایگاه دریائی روسیه در بندر سودان برای ایالات متحده غیرقابل قبول است. سفیر امریکا حتی آشکارا نسبت به «عواقب» این امر تهدید کرده است.

ارزیابی وضعیت سودان را باید در متن مبارزه این اضداد مورد بررسی قرار داد. قربانیان آن مردم این کشورند که سرنوشتشان با دست صهیونیسم و امپریالیسم، با توسل به اغتشاش و بی‌ثباتی در شاخ آفریقا به وضعیت سوریه و لیبی بدل می‌شود. سیاست ایجاد بی‌ثباتی و اغتشاش از شگردهای امپریالیسم امریکاست. حزب ما خواهان کاهش تنش، حفظ تمامیت ارضی سودان و خروج نیروهای خارجی از این کشور است. مردم سودان محقند سرنوشت خویش را با دست خود و در مبارزه با استعمارگران کهنه و نو تعیین کنند.

نقل از توفان شماره ۲۷۹ ارگان مرکزی حزب کار ایران

www.toufan.org

<https://telegram.me/totoufan>